

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه
فی الدین.

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند بهوی اراده خیر فرماید
اور ادر امور دین داشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَخِي صَدْرِي ○
وَسَيِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَقْهِيَ قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کپه !
او زما امر (درسال) را ته آسان کپه ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی"

ما رج 2018

جمادی الاول 1438

شماره دو صد و چهل ششم

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت
خطاطات ایمانی

تصدیق می نمودم ، کسی را که ندیده بودم بوى
ایمان داشتم و آنچه که هنوز خلق نشده است به آن
باور دارم.

عمر بن الخطاب . رضی الله عنہ . فرمود : این شخص
را با گفتارش نزد علی بن ابی طالب ببرید ،
هنگامیکه علی بن ابی طالب . رضی الله عنہ .
اظهارات او را شنید گفت : این شخص راست گفته
است ، فتنه را دوست دارد ، این اظهار او به اساس
آیه کریمه (إنما أموالكم وأولادكم فتنه - التغابن: 15)
بدون شک اموال و اولاد شما وسیله فتنه و
آزمایش اند . صحت میابد .

حق را بد می بیند . اینهم از آیه کریمه (و جاءت سكرة
الموت بالحق - ق: 19) .

و سختی مرگ بحق و راستی رسید الہام گرفته
است .

یهود و نصاری را تصدیق می نماید ، این در حقیقت
تصدیق این آیه کریمه است (و قالت اليهود ليست
النصارى على شى و قالت النصارى ليست اليهود
على شى - البقرة : 113) یهود گفتند که نصاری از
حق بی بهره هستند و نصاری گفتند که یهود از حق
بهره ای ندارند .

کسی را که ندیده به آن ایمان دارد ، مرادش الله (جل
جلاله) است .

بسم الله الرحمن الرحيم
اسد الله الغالب

علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ —
(قسمت دوم)

لو لا على لهلك عمر : اگر علی نباشد عمر هلاک شده
است .

مقام علمی و قدرت اجتهادی علی بن ابی طالب . رضی
الله عنہ . رتبه امام فقه و حجت فتوی را در میان اصحاب
کرام به وی تخصیص داده بود ، عمر بن الخطاب . رضی
الله عنہ . در بسا مسائل مشکل فقهی به علی بن ابی
طالب . رضی الله عنہ . مراجعه می نمود و گفته بود :
هیچکس در مسجد فتوی ندهد در حالیکه علی حضور
داشتہ باشد .

باری شخصی را به اتهام گفتار ناسزا و عجیب بحضور
عمر بن الخطاب . رضی الله عنہ . آوردنده ، آن شخص در
برابر جماعتی از اشخاص که ازوی پرسیده بودند : کیف
اصبحت ؟ چگونه صبح داشتی ؟ صبح امروز در چه حالت
بودی ؟ آن شخص گفته بود : صبح من چنان بود که فتنه را
دوست داشتم و حق را بد میدیدم و یهود و نصاری را

علی بن ابی طالب /

غزوه هنگامیکه شکستی متوجه مسلمین گردید و تعداد زیادی (هفتاد نفر) از اصحاب کرام رسول اکرم - صلی اللہ علیہ وسلم - زخم برداشت و دندان مبارک شان شهید شد و صفوف مسلمانان درهم شکست علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . در میان چند تن محدود اصحاب به خدمت و حمایت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم حاضر و ثابت بود ، فاطمه - رضی اللہ عنہا . رخسار مبارک پدر خود را در آن حالت شست و شو مینمود و علی - رضی اللہ عنہ . برآن آب می انداخت .

(3) در غزوه (خندق) در سال پنجم هجرت علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . شجاعت عجیبی به نمایش گذاشت ، از صفوف مشرکین یکی از قهرمانان آنها بنام (عمرو بن عبدود) وارد میدان جنگ شد و با غرور تمام خطاب به صفوف مسلمین نذاکر : کدام مرد می تواند با من مبارزه نماید ؟ علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . به مقابل وی ایستاده شد و آماده مبارزه گردید ، عمرو گفت : ای برادر زاده من ! چرا خواستار مرگ هستی به (لات) قسم که من آرزوی کشنتراندارم ، علی گفت : بخدا قسم که من آرزوی کشنتراندارم . عمرو به شدت در خشم شد و بر علی هجوم نمود اما لحظاتی نگذشت که شمشیر علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . به زندگی آن سر برادرده مشرکین خاتمه داد .

(4) در غزوه (خیر) در سال هفتم هجرت هنگامیکه لشکر مسلمین در برابر چندین قلعه مستحکم یهودی و استحکامات دفاعی آنها قرار گرفتند ، رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - فرمودند :

فردا من لوای جهاد را بدست کسی میدهم که اللہ و رسول او ، وی را دوست دارند و اللہ (متعال) این جنگ را بدست او فتح می کند . ادامه در صفحه 8

آنچه که تا هنوز خلق نشده و به آن باور دارد ، عبارت از روز قیامت است .

عمر بن الخطاب - رضی اللہ عنہ . همینکه تفسیر علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . را در مورد گفتار آن شخص شنید ، گفت : به اللہ پناه می برم از مشکلی که در آن علی نباشد ، لولا علی لهلک عمر . اگر علی نباشد عمر هلاک شده است .

این پیمانه محبت و احترام میان عمر و علی - رضی اللہ عنہما . درس بزرگی برای پیروان آنها است ، آن بزرگان تاریخ اسلام در پهلوی چنین قربت فکری و روحی میان همدیگر قرابت فامیلی نیز داشتند ، عمر داماد علی بود ، علی داماد پیامبر اکر و رسول اکرم - صلی اللہ علیہ وسلم . داماد عمر بودند . رضی اللہ عنهم جمیعا .

اعجوبه شجاعت و نیروی شگفت آمیز :

موافق شجاعت و نیروی خارق العاده علی بن طالب - رضی اللہ عنہ . در غزوات مختلف با مشرکین و در موقع نبرد با هر نوع دشمن به آن پیمانه نمایانگر اعجوبه قدرت و شجاعت بود که وصف آن مشکل خواهد بود .

برخی ازین موافق :

(1) در غزوه بزرگ (بدر) در سال دوم هجرت که نخستین رویا روئی گروه اندک مسلمان ها با لشکر بزرگ مشرکین بود در برابر یکی از قهرمانان کفار (ولید بن عتبه) رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - به علی بن ابی طالب امر مبارزه دادند و علی با اقدام شجاعانه آن پهلوون مغور مشرک را از پا درآورد و به قتل رساند .

(2) در غزوه معروف (أحد) در سال سوم هجرت علی بن ابی طالب - رضی اللہ عنہ . یک سر لشکر و حامل لوای مشرکین (طلحه بن اب طلحه) را به قتل رساند ، درین

امام محمد ابو زهره

مذهب امام جعفر الصادق

(رضی اللہ عنہ)

— 80 — هجری

در او آخر قرن اول هجری و نیمه قرن دوم هجری خانواده حضرت علی رضی اللہ عنہ منبع و مصدر نور و عرفان در مدینه منوره بود. آل بیت حضرت علی کرم اللہ وجہه بعد از شهادت امام حسین رضی اللہ عنہ سیاست را ترک نمودند و مشغول نشر عو تعليم علوم نبوت شدند. در آل بیت ذکاوت حضرت علی و هدایت جد مبارک شان سید البشر صلی اللہ علیہ وسلم و شرف نسب هاشمی بخوبی مشاهده می شد.

حضرت علی زین العابدین رضی اللہ عنہ امام مدینه منوره و استاد علمای زمان خود بود. امام محمد باقر رضی اللہ بن امام زین العابدین وارث مدرسه علم و امام وقت گردید. هر کسیکه به زیارت مدینه منوره میرسید از امام محمد باقر دیدن میکرد تا علم را ازاو بیاموزد و امام باقر مردم را از افراط کردن در حق آل بیت منع می نمود.

امام مذاهب و فقهاء آنرمان بخدمت امام باقر میرسیدند و از علم او استفاده می کردند. در بین فقهاء امام سفیان شوری و سفیان بن عیینه و امام ابو حنیفه رضی اللہ عنهم از علم امام باقر استفاده نمودند. ذکر مناقشه بین امام باقر و ابو حنیفه نمونه از محبت بین این دو امام میباشد.

امام باقر رضی اللہ عنہ امام ابو حنیفه را در مدینه منوره استقبال میکند و در چند مورد با او مناقشه می نماید.

امام باقر می گوید : ای ابو حنیفه شما دین جد مرا و احادیث او را به قیاس تغییر دادید ؟

ابو حنیفه جواب میدهد : شما در جایگاهی که لیاقت شما را دارد جلوس فرماید ، زیرا رعایت حرمت جد شما صلی اللہ علیہ وسلم بر ما لازم است.

امام باقر در صدر مجلس جلوس می کند و امام ابو حنیفه در پائین مجلس در نزدیک پای امام باقر می نشیند. امام باقر سه موضوع را با ابو حنیفه مناقشه می کند :

امام ابو حنیفه می پرسد: زن ضعیف است یا مرد ؟ امام باقر میگوید: زن ضعیف است. امام ابو حنیفه می پرسد حق زن در میراث چه مقدار است ؟ امام محمد باقر می گوید: نصف حق مرد. ابو حنیفه می گوید این است قول جد شما صلی اللہ علیہ وسلم ، اما اگر من دین جد شمارا به قیاس خود تغییر میدادم زن را دو حق و مرد را یک حق میدادم.... به دلیل اینکه زن ضعیف تراز مرد است.

امام ابو حنیفه می پرسد : نماز فضیلت بیشتر دارد یا روزه ؟ امام باقر می گوید: نماز فضیلت بیشتر دارد. ابو حنیفه می گوید: این است قول جد شما ، اما اگر من قول جد شما را به قیاس تبدیل می کردم می گفتم که: زن بعد از پاک شدن از حیض نماز را قضائی اداء کند و روزه را نگیرید.

ابو حنیفه از امام باقر می پرسد: بول نجس بیشتر است یا آب منی ؟ امام باقر می گوید: بول نجس تراز منی است. امام ابو حنیفه می گوید: اگر من دین جد شما را به قیاس تبدیل می نمودم ، امر می کردم که بعد از بول غسل و بعد از آمدن منی وضوء نماید.

امام باقر بعد از سؤال و جواب از جا ایستاده شده ابو حنیفه را به آگوش گرفته و به او احترام می گذارد.

امام محمد باقر تمام صحابه را احترام می کرد و به فضیلت حضرت ابوبکر و عمر رضی اللہ عنهم اعتراف داشت و می فرمود: « کسیکه فضیلت ابی بکر و عمر را نداند در سنت جاہل است ». امام محمد باقر از شاگردش جابر الجعفی پرسید: « یا جابر شنیده ام که بعض مردم در عراق نشان میدهند که ما را دوست دارند و برای شیخین (ابوبکر و عمر) احترام نمی کنند و ادعا دارند که من ایشان را این طور امر کرده ام. برای شان خبر بدھید که نزد خداوند من از ایشان بری هستم. سوگند به خداوند اگر بالای شان حکومت می داشتم با ریختن خون های شان بخدا نزدیک می شدم و این ها از شفاعت محمد صلی اللہ علیہ وسلم بی نصیب اند مگر اینکه برای ابوبکر و عمر رضی اللہ عنهم استغفار نکنند و برای شان حرمت نگذارند.

نظريات و آراء امام جعفر الصادق (رضي الله عنه)

معتزله امام الصادق را يکی از امامان خود میدانستند. اين گروه به پیروی از آراء امام الصادق خداوند سبحانه و تعالی اين طور صفت میکردند: واحد ، فرد و صمد به انسان شباهت ندارد و مانند ندارد ، نه تولد شده و نه از او کسی تولد یافته و خداوند در وجود انسان حلول نمی کند.

آنچه در قرآن کریم در صفت خداوند سبحانه مثل دست و روی آمده مجازی است و ضرورت و احتیاج به تفسیر ندارد و نباید در این مورد مناقشه کرد و گذشته کان در این مورد مناقشه نکرده بودند و معنی آیه مبارکه «يد الله فوق ايديم» دست خداوند بالای دستهای شان است به معنی دست تفسیر نکردن بلکه به معنی سلطان و قدرت تفسیر نمودند.

رساله توحید:

رساله توحید را پیروان مذهب امامیه (شیعه جعفریه) به امام جعفر الصادق نسبت میدهند. رساله توحید را شاگرد امام بنام «المفضل بن عمرو» تدوین و به نشر سپرد.

رساله توحید اصلا برای اثبات وحدانیت و اثبات وجود الله با دلائل و برهان از عالم موجودات تدوین شده است. امام الصادق با ذکر دلائل طبیعی مانند مانده جانان و جامدات ، شب و روز ، آفتاب و مهتاب ، ستاره ها و کواكب وحدانیت را به اثبات رسانید.

رساله توحید به ثابت می رساند که اراده خداوند سبحانه و تعالی را همچنان به اثبات میرساند که عالم بقدرت خداوند قاهر بوجود آمده است ، و همچنان علم از لی خداوند سبحانه و تعالی و نظام کونی محکم و حکم خداوند در آفاق کونی را ثابت میسازد و همچنان به آنچه خداوند بندگان را مورد امتحان قرار میدهد.

امام محمد ابو زهره در مورد عقائد و نظریات فقهی امام جعفر الصادق رضی الله عنہ کتاب مفصل و شامل نوشته و در مقدمه این کتاب آمده :

امام جعفر الصادق رضی الله عنہ منزلت و مقام عالی در فقه و حدیث دارد و نظریات و آراء فقهی امام جعفر را به مقام بزرگ در بین فقهاء قرار میدهد. امام جعفر نظریات مهم در مورد عقائد دارد و احادیث زیاد را روایت نموده و در علم استنباط و شعبه های آن از خود آثار بزرگ را بجا گذاشته است. امام جعفر الصادق رضی الله عنہ وقت زیاد خود را در تصحیح عقائد مردم سپری نمود و در موضوع قدر و اراده انسان ، توحید و ارکان آن و طریقه استنباط فقهی نظریات مهم را به جامعه اسلامی تقدیم کرد .

در این شماره به مهمترین نظریات امام الصادق اشاره می شود .

توحید:

در عصر که امام صادق زندگی داشت افکار و نظریات انحراف کننده در اکثر موضوعات خصوصا در موضوع وحدانیت در جامعه رواج یافته بود . عده باین عقیده بودند که خداوند سبحانه و تعالی مانند انسان روی ، دست دارد و خداوند را به صفات انسانی توصیف می نمودند. در رأس این فرقه ها ، فرقه «الخشوية» بود و الخشوية از بقایای آتش پرستان بودند.

امام جعفر الصادق علیه افکار و عقائد الخشوية قیام نمود و مردم ر متوجه خطر این فرقه ساخت و در اصلاح عقائد امت کوشش کرد و پیروان الخشوية را به راه مستقیم دعوت نمود .

استاد عبدالعلی نور احراری

اوقات نماز

خداوند می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَتَابًا مُوقوتًا» (النساء: 103)

«نماز بر مؤمنان در اوقات معین فرض کرده شده»

در باره اوقات پنجگانه نماز حدیث (521) صحیح البخاری که در صحیح مسلم به شماره (610) آمده است بیانگرآن است که جبرئیل علیه السلام در وقت هر نماز نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و با ادائی همان نماز در زمان معین آن وقت نماز را تعیین کرده است.

حدیث(521) صحیح البخاری بدین مضمون است:

از ابن شهاب روایت است که گفت: عمر بن عبد العزیز روزی نماز را تأخیر کرد عروه بن زبیر نزد وی آمد و به او گفت:

مغیره بن شعبه هنگامی که در عراق بود روزی نماز را تأخیر کرد ابو مسعود انصاری نزد وی آمد و به او گفت: ای مغیره این تأخیر از برای چیست؟ آیا تو ندانسته ای که جبرئیل علیه السلام فرود آمد و نماز (صبح) را گزارد و سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز گزارد . سپس جبرئیل نماز ظهر را گزارد و بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز گزارد سپس جبرئیل نماز عصر را گزارد و باز رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز گزارد ، بعد جبرئیل نماز شام را گزارد و باز رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز گزارد ، بعد جبرئیل نماز خفتن را گزارد و باز رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز گزارد.

سپس جبرئیل گفت: من بدین کار (ادای نماز در این اوقات) مأمور شده ام . عمر بن عبد العزیز برای عروه گفت: آیا می دانی که چه می گویی؟ آیا جبرئیل در اوقات معینه نماز،

برای رسول الله صلی الله علیه وسلم امامت می داد؟

عروه گفت: آری بشیر بن ابی مسعود از پدر خود چنین روایت کرده است.

وقت نماز صبح :

حدیث(578) صحیح البخاری به این مضمون است:

از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: «زنان مسلمان نماز صبح را با پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر می شدند در حالی که در چادر های خویش پیچیده بودند و پس از فراغت نماز که به خانه های خویش بر می گشتند به دلیل تاریکه هوا کسی نمی توانست آنها را بشناسد.»

از سلمه روایت است که گفت:

«ما نماز شام را زمانی با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم می گزاریدیم که آفتاب در افق نا پدید می شد» در باره اول نماز شام اختلافی نیست ولی در باره آخر آن در «هادیه» چنین آمده است: اول وقت نماز غروب بعد از غروب آفتاب است و باقی می ماند تا آن زمان که شفق غایب نگردد و شافعی رح گفته است که: نماز غروب آن مقدار است که سه رکعت در آن گزارده شود.

آخر وقت نماز شام: در کتاب «المحلی شرح المجلی» گفته شده:

وقت نماز شام تا زمانی ادامه می یابد که سرخی شفق نا پدید شود.

در کتاب «هادیه» گفته شده که:

نzd ابو حنیفه رح شفق عبارت است از سفیدی که در افق بعد از سرخی شفق پیدا می شود و نzd صحابین رح شفق همان سرخی می باشد.

وقت عشاء یا خفتن:

در کتاب «هادیه» گفته شده که اول وقت نماز عشاء وقتی است که غایب شود شفق و آخر وقت آن قریب طلوع صبح صادق است.

در «المحلی شرح المجلی» گفته شده:

آنگاه که سرخی شفق کاملاً نا پدید شد وقت نماز عشاء آخر...؟... (خفتن) است و زمان آن تا نیم اول شب یا آغاز نیمة دوم شب ادامه می یابد.

در مورد آخر وقت نماز خفتن که آیا تا نیمه شب و یا تا زمان رسیدن صبح صادق است علماء اختلاف دارند.

اختلاف اصلی در آخر وقت نماز ظهر است که امام ابو حنیفه آنرا دو برابر شدن سایه هر شی برابر همان شی می داند. در این نظر هیچ یک از امامان با وی موافقت نکرده اند حتی یاران وی امام ابو یوسف و امام محمد.

از نظر فقه حنفی به نظر امام ابو حنیفه عمل نمیشود و مفتی به قول یاران او است که سایه هر شی برابر همان شی شود سوای سایه اصلی. متأسفانه در منطقه ما (فریمونت دریکی از مساجد نماز جمعه را در زمستان و تابستان ساعت دو بعد از ظهر اداء می کنند که هنگام کوتاهی روزها می باشد و وقت نماز عصر داخل می شود.

زوال عبارت از متمایل شدن آفتاب از وسط آسمان به سوی غرب می باشد و سایه اصلی همان مقدار اندکی از سایه است که بعد از زوال به سوی غرب پیدا می شود ، البته در فقه حنفی در محاسبه مثل و مثلین یعنی سایه یک چند و دو چند آن اندازه گیری بعد از همان مقدار اندک سایه است که بعد از زوال به میان می آید.

قول مفتی به نظر یاران ابو حنیفه است که آخر نماز ظهر است که سایه هر شی به اندازه همان شی می رسد.

در کتاب «المحلی شرح المجلی» تالیف امام ابن حزم ظاهری گفته شده:

اول وقت ظهر زوال و میل آفتاب است ، سپس این وقت ادامه می یابد تا سایه هر شی مثل آن شود ، ولی سایه که در اول زوال شمس پدید می آید محاسبه نمی شود و آنچه بدان زیاد می شود محاسبه می شود.

وقت نماز عصر:

در فتح الباری شرح صحیح البخاری ، شیخ ابن حجر عسقلانی در شرح حدیث (546) می گوید:

امام بخاری در تعیین اول وقت نماز عصر حدیثی را مطابق شرایط خود در نیافته ولی آن رسیدن سایه هر شی مثل آن است ولی امام مسلم شماری از احادیث را در این مورد آورده است و هیچ یک از اهل علم در مورد اینکه اول وقت عصر دراز شدن سایه هر شی به مثل آن است مخالفت نکرده مگر ابو حنیفه که آن را دو چند گفته است. تمام مردم با نظر ابو حنیفه مخالفت کرده اند به شمول یاران او.

آخر وقت عصر:

حدیث (556) صحیح البخاری بدین مضمون است: از ابو هریره روایت است که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود:

«اگر کسی از شما رکعتی از نماز عصر را پیش از غروب دریابد نماز را کاملاً ادا کند...»

از این حدیث در می یابیم که آخر وقت عصر غروب آفتاب است.

در مورد آخر وقت عصر که غروب آفتاب است، اختلافی در میان ائمه وجود ندارد.

نماز غرب یا شام:

حدیث (561) صحیح البخاری بدین مضمون است

با اینکه دختر و پسر نامزد اند داخل گناه بزرگ می شوند .).

امام عبدالحمید کشگ در این مورد می نویسد : (دختران و پسران ، مادران و پدران بدانند که نامزدی و اعلان از آن معنی محرم بودن را نمیدهد و در این مرحله یعنی مرحله نامزدی پسر محرم دختر نیست تا زمانی که نکاح شرعی عقد نشود .

آیا دختر حق دارد که نامزدی را فسخ کند ؟
جواب :

در قانون احوال شخصی یا قانون مدنی که بیست تن از بزرگترین علمای آنرا تدوین نموده اند در باب اول ماده «ب» آمده که :

«لكل من الخطاب والمخطوبة العدول عن الخطبة» هر یکی از طرفین (پسر و دختر نامزد) حق عدول و فسخ نامزدی را دارد .

علامه شیخ عبدالحمید کشک بنام «بناء الأسرة المسلمة» در مورد فسخ نامزدی می نویسد : در مرحله نامزدی طلاق نیست چون نکاح عقد نشده و در مرحله نامزدی به مجرد یک کلمه طرفین یعنی هر دو نامزد حق دارند نامزدی را فسخ نمایند و در فسخ نامزدی رفتن به محکمه نیست . در قانون ازدواج در اسلام نامزدی فقط وعده برای ازدواج است نه عقد ازدواج . فسخ و الغای نامزدی مسأله قانونی نیست بلکه یک مسأله اخلاقی میباشد و نباید بدون دلیل قوی نامزدی فسخ شود .

امام سید سابق در جواب سؤالی که آیا پسر و یا دختر هر کدام به تنها حق فسخ نامزدی را دارد و یا اینکه باید هر دو طرف مشترکا نامزدی را فسخ نمایند می نویسد :

نامزدی فقط وعده برای ازدواج است نه ازدواج و عقد نامزدی یک عقد ملزم و یا لازمی نیست و صرف نظر کردن یا عدول از آن حق ثابت هر دو طرف میباشد

حکم مرحله نامزدی

امام حسنین محمد مخلوف جواب میدهد :

آیا دختر می تواند در مرحله نامزدی با نامزد خود به سینما و امکان دیگر بدون موجودیت یکنفر از کسان دختر رود ؟

باید دانسته شود که دختر در مرحله نامزدی برای مرد نامزد خود نا محرم است . در مرحله نامزدی خلوت کردن و تنها نشستن و رفتن به خارج منزل شرعا حرام است . این کار و این عمل اسباب فساد را در جامعه تولید میکند و بی فکری و عدم مسئولیت اسباب فتنه را بار می آورد و نتائج خطرناک را دارد . مسلمانان باید متوجه این موضوع باشند و احتیاط نمایند و از حدود خداوند و شریعت دور نشوید . والله أعلم .

آیا در وقت نامزدی دختر و پسر با هم محرم شرعی میباشند ؟

جواب از کتاب (قانون الاحوال الشخصية ، قانون مدنی)

در فقه اصل از اصول اول نامزدی این استکه : نامزدی عقد ازدواج نیست (الخطبة ليست عقد زواج) . در کتاب فقه السنة آمده که : (نامزدی مقدمه برای عقد ازدواج است نه ازدواج و نامزدی یک نوع وعده برای ازدواج میباشد نه عقد ملزم و عدول یا صرف نظر کردن از آن حق کامل دختر و پسر بوده و در قانون ازدواج اسلامی برای فسخ نامزدی جزاء تعیین نشده است، لیکن عدم وفاء به وعده در اسلام نشانه از منافقت است) .

امام محمد حسنین مخلوف که از امامان مذهب حنفی است در کتاب خود بنام « فتاوى شرعية و بحوث إسلامية » می نویسد :

(نامزدی عقد شرعی نیست . باید دختر و پسر در مرحله نامزدی بدانند که قبل از نکاح شرعی با یکدیگر خود محرم شرعی نبوده و حدود شریعت را در این مرحله مرااعات کنند و در عدم احترام حدود یا قوانین شرعی

علی بن ابی طالب /

در آن فردا همه در انتظار آن بودندتا آن شخص را که محبوب الله و رسول او است بشناسند، صدای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به این انتظار خاتمه می بخشد و می فرمایند : آین علی بن ابی طالب ؟ علی بن ابی طالب

کجا است؟ علی: من حاضرم یا رسول الله !

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خطاب به علی: ای رایه (علم) جهاد را بگیر و با آن در رأس لشکر اسلام روانه شو تا آنکه فتح الله از آن تو گردد .

علی - رضی الله عنہ - مطابق ارشاد قائد اعلى جهاد قبل از دخول در جنگ دعوت اسلام را به قبائلی یهودی عرضه میدارد و در نتیجه رد دعوت و انتخاب جانب جنگ از طرف یهود قلعه ها و استحکامات آنها یکی پی دیگر سقوط می کند .

موقع عجیبی از شجاعت و قدرت شگفت آور علی بن طالب - رضی الله عنہ - روایت شده است : در برابر دری بزرگ قلعه بودند یک مرد یهودی ضربه شدیدی بر صد و فتح قلعه بودند یک مرد یهودی ضربه شدیدی بر علی بن ابی طالب وارد کرد و در اثر آن سپر دفاع علی - رضی الله عنہ - بر زمین افتاد ، علی با ندای الله اکبر پله بزرگ دروازه قلعه را از بین بر کند و آنرا سپر ساخت و قلعه را نیز فتح نمود .

ابو رافع خادم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که شامل لشکر جهاد به قیادت علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ - بود میگوید : من با هفت نفر از همراهان عزم نمودیم تا آن دروازه را از محل آن در روی زمین حرکت بدھیم ، اما تو انرا نداشتیم . (خلفاء الرسول - خالد محمد خالد) . ادامه دارد .

و شریعت در فسخ و الغای نامزدی جزا تعیین نکرده .

سؤال : اگر نامزدی قبل از ازدواج فسخ گردد ، حکم مهر و هدیه ها که خانواده پسر به دختر تقدیم نموده اند چیست ؟

جواب : در باب هدیه و مهر که قبل از نکاح داده شده باشد در مدارس فقهی نظریات متفاوت است . در جواب این سؤال نظر فقه حنفی را می آوریم .

در مذهب حنفی که در بسیاری از محاکم کشور های اسلامی قابل تطبیق است آمده که :

آنچه نامزد برای نامزد خود یعنی دختر هدیه داده باشد اگر حالت در حالت هدیه تغییر پیش نشده باشد در حالت فسخ نامزدی به پسر مسترد می شود .

در مورد باز دادن هدیه بتاریخ 13 جون سال 1933 محکمه ابتدائی شرعی شهر طنطا در مصر باساس مذهب حنفی این فیصله را صادر نموده :

1. آنچه پسر برای دختر هدیه تقدیم نموده اگر بنام مهر داده نشده باشد هدیه گفته میشود و در تطبیق آن حکم هدیه اجراء می شود .

2. هدیه در حکم و معنی آن بخشش - تحفه - است .

3. بخشش و تحفه حق کسی است که برایش داده شده است و کسی که آنرا گرفته باشد حق داشتن و خرید و فروش آنرا نیز دارد .

4. از بین رفتن هدیه ، استعمال آن مانع دو باره دادن آن میشود .

5. هدیه دهنده حق گرفتن آنچه از هدیه داده دارد در صورتی که هدیه در حالت اولی خود باقی ماندۀ باشد .

علمای معاصر نظر میدهند که اگر دختر نامزدی را فسخ کند باید هدیه ها را به پسر مسترد نماید زیرا هدیه ها و پول نقد به نیت ازدواج داده شده بود .

در ماده چهارم مسوده (قانون الأحوال الشخصية) در فقره ب آمده که : اگر نامزدی به وفات و یا به موجب دیگری که واقع گردد ، و به ازدواج تمام نشود تحفه ها و هدیه ها قابل استرداد نیست .

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one